



نوع اندیشیدن افراد متناسب با شرایط جامعه تغییر پیدا می کند/ تاثیر ذخیره فرهنگی و ملیتی در نوع تفکر افراد

یک جامعه شناس گفت: افراد از یک جامعه شناسی شناخت انتظار دارند که به صورت علمی صحبت کند. اگر از مردم سوال کنید گرانی یعنی چه؟ از قیمت گوشت، دلار و ... و گرانی آنها خواهند گفت. این یک نوع آگاهی اجتماعی است، اما وقتی از یک جامعه شناس شناخت این را بپرسید قطعاً با چنین پاسخ هایی مواجه نخواهید شد. از ساختارهای صحبت می کند که منتهی به گرانی می شود و با دلیل و استدلال هر یک از آنها را توضیح می دهد.

یک جامعه شناس گفت: افراد از یک جامعه شناسی شناخت انتظار دارند که به صورت علمی صحبت کند. اگر از مردم سوال کنید گرانی یعنی چه؟ از قیمت گوشت، دلار و ... و گرانی آنها خواهند گفت. این یک نوع آگاهی اجتماعی است، اما وقتی از یک جامعه شناس شناخت این را بپرسید قطعاً با چنین پاسخ هایی مواجه نخواهید شد. از ساختارهای صحبت می کند که منتهی به گرانی می شود و با دلیل و استدلال هر یک از آنها را توضیح می دهد.

دکتر منوچهر آشتیانی درباره روند شکل گرفتن جامعه شناسی شناخت به خبرنگار مهر گفت: ابتدا معرفت شناسی به وجود آمد تا شناخت را معنی کند. در مرحله بعد روان شناسی فکر به وجود می آید و به این پرسش پاسخ داد که در مغز چه می گذرد. حرکت سوم که نه به فلسفه و نه به روان شناسی تعلق دارد، جامعه شناسی شناخت است.

وی افزود: مهمترین مسئله ای که از قدیم ترین ایام یعنی از حدود 5-6 قرن قبل از میلاد وجود داشته و در حیطه فلسفه مطرح شده پاسخ به این پرسش است که: شناخت چیست؟ آیا موضوعی است که ما آن را بشناسیم؟ آیا ما اساساً به شناخت می رسیم؟ این شناخت چه اعتباری دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش ها، بحثی پیش آمد به نام Epistemology، معرفت شناسی. این بحث را ارسطو در مبحث مابعدالطبیعه خود مطرح کرد، از همین رو معرفت شناسی جنبه مشائی دارد و تا دوره ابن سینا و ابن رشد ادامه پیدا کرد.

وی تصریح کرد: شناخت عبارت است از انعکاس واقعیت برون ذهن در داخل ذهن. معرفت شناسی قرن سوم قبل از میلاد بوسیله ارسطو بنیان گذاری شد و در تمام قرون وسطی مسیحی و رنسانس اروپایی ادامه پیدا کرد، همچنین در تمام سده های میانه اسلامی ادامه داشت تا اینکه به معرفت شناسی آغشته به الهیات تبدیل شد.

آشتیانی ادامه داد: در شرق اسلامی ما نیز معرفت شناسی تا ابن رشد ادامه پیدا کرد ولی در اثر فشاری که خلفای آن دوره وارد کردند معرفت شناسی در شرق و در ایران قطع و با الهیات مخلوط شد. در حال حاضر نیز معرفت شناسی در حوزه های علمی مثل حوزه علمییه قم، مشهد و اصفهان کاملاً با الهیات درهم آمیخته شده است.

دکترای جامعه شناسی تصریح کرد: معرفت شناسی در اروپا از قرن چهاردهم و با پیدایش رنسانس رشد پیدا کرد و به سمت روان شناسی فکر پیش رفت. روان شناسی فکر در این مورد بحث می کند که چه فعل و انفعالاتی در مغز رخ می دهد که منتهی به شناخت می شود. امروزه این علم بسیار پیشرفت کرده و به هوش مصنوعی و بیوتکنولوژی تبدیل شده است. منظور از بیوتکنولوژی انسانی است که بخشی از او وجود انسان و بخشی از آن تکنولوژی است. این علم قصد دارد انسان هایی تولید کند که چند صد برابر انسان های امروز فکر می کنند، البته بحث من در این خصوص نیست و روان شناسی فکر به طور مفصل به آن می پردازد. در حقیقت معرفت شناسی به سوالاتی که در باب شناخت مطرح کردم، از جمله اینکه: شناخت چه اعتباری دارد؟ پاسخ می دهد.

این دانش آموخته فلسفه گفت: عده زیادی از فلاسفه و عرفا معتقد بودند که انسان ها هیچ وقت نمی توانند به شناخت دقیقی نسبت به کنه اشیاء و جهان دست یابند، اما دانشمندان جامعه شناسی شناخت به جزئی ترین پرسش های این حوزه پاسخ می دهند؛ از جمله اینکه آیا انسانی که می اندیشد واقعا شناخت دارد؟ و اگر می شناسد تا چه میزان به این شناخت دست پیدا کرده است؟ شناختی که ما از آن صحبت به میان می آوریم آیا بار یا ضریب اجتماعی دارد یا نه؟ آیا جامعه در شناخت ما موثر است؟ آیا طبقات اجتماعی در شناخت ما موثر هستند؟ آیا ملیت و فرهنگ در آن موثر است؟ به این معنی که وقتی یک ایرانی می اندیشد چقدر تفکر ملیتی و ایرانی بودن در او وجود دارد و تا چه میزان شناخت او را ایرانی می کند تا با شناخت یک شهروند آلمانی تفاوت داشته باشد و در نهایت این مسئله را روشن می کند که نوع اندیشیدن هر فرد بستگی به جامعه ای دارد که در آن زندگی می کند.

وی افزود: در جامعه شناسی شناخت آورده شده که نوع اندیشیدن افراد متناسب با شرایط جامعه تغییر پیدا می کند. اینکه طبقات محروم و طبقات مرفه هر یک چگونه فکر می کنند؟ اروپاییان چگونه فکر می کنند و اصلاً چرا این گونه فکر می کنند؟ چقدر خازن و ذخیره عظیم فرهنگی و ملیتی در نوع تفکر دخالت دارد؟ همچنین برای درک صحیح از شناخت ها باید آنها را به مناسبات اجتماعی ارجاع می دهد و می پرسد: بار اجتماعی شناخت های ما چیست؟ چقدر در شناخت های ما ایدئولوژی، تفکرات ملی و میهنی، عقاید خانوادگی و طبقه اجتماعی دخالت دارد؟ در این صورت آگاهی افراد نسبت به شناخت ها افزایش پیدا می کند.

آشتیانی عنوان کرد: افراد از یک جامعه شناسی شناخت انتظار دارند که به صورت علمی صحبت کند. اگر از مردم سوال کنید گرانی یعنی چه؟ از قیمت گوشت، دلار و ... و گرانی آنها خواهند گفت. این یک نوع آگاهی اجتماعی است، اما وقتی از یک جامعه شناس شناخت این را بپرسید قطعاً با چنین پاسخ هایی مواجه نخواهید شد. از ساختارهای صحبت می کند که منتهی به گرانی می شود و با دلیل و استدلال آنها را بیان می کند.

وی با یک جمع بندی صحبت خود را این گونه به پایان رساند: از زمانی که انسانها شروع به اندیشیدن کردند همیشه این مسئله برایشان سوال بوده که آیا آنچه که در جهان مطرح است شناختنی هست یا نه؟ اگر شناختنی هست؟ من چقدر آن را می شناسم؟ چقدر به شناخت های من اطمینان است؟ تا چه حد آن را می شناسم؟ این سوال ابدی و همواره مطرح بوده است. دانشمندی که در رابطه با این موضوع تحقیق کرده اند به سه گروه تقسیم شده اند. یکی معرفت شناسی که به شناخت کلی می پردازد، دیگری روان شناسی فکر که شناخت را بر اساس دستگاه مغز بررسی می کند و دیگری جامعه شناسی شناخت که آن را بر اساس مناسبات اجتماعی بررسی می کند.